

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيُّوب

عَلَيْكَ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيُّوبَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيُّوبَ

الْأَنْوَارُ لِإِلَاهَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيُّوبَ رَبِّ الْأَنْوَارِ

عَلَيْكَ يَا بَصِيرَةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفَوْرِ الْمُنْبَثِبِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

الْأَنْوَارُ لِإِلَاهَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيُّوبَ الْأَعْلَمُ الْأَنْوَارِ

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيُّوبَ الْعَتْرَةِ الظَّاهِرَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

الْأَكْلَمُ الْقَسَوَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيُّوبَ الْأَكْلَمِ الْأَنْوَارِ

الْأَمْمَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيُّوبَ الْأَمْمَةِ الْأَنْوَارِ

الْأَنْوَارُ لِإِلَاهَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيُّوبَ الْأَنْوَارِ

(ع)

شپا را

مروری بر زیارت صاحب الامر (عج)

دکتر صادق شهرابی

اشاره

در شیار این فرازها جریان معرفتی با سلام و درود، شهادت و شهود و توسل و وسیله‌یابی شکل می‌یابد. و در فراز و فرود و امواج واژگان اذهان عاشقان را به ساحل امن «تنها راه» می‌سپارد. به او می‌آموزد که باید برکات معرفی را با فتح قله‌های فرهنگ مهدویت به پیش برد و از همین روست که فرایند فرهنگ انتظار را یکپارچه و پیوسته باید گذر نماید و از معبرهای «انتظار»، «توقع» و «ترقب» به سلامت عبور کند و آداب عشق را جانانه مشق کند.

أَشْهُدُ اللَّهَ وَأَشْهُدُ مَلائِكَتَهُ وَأَشْهُدُ كَيْا مَوْلَايَ بَهْذَا ظَاهِرَهُ
كَبَاطِنَهُ وَسَرِهِ كَعَلَانِيَتَهُ وَأَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكَ وَهُوَ عَهْدِي
إِلَيْكَ وَمِيشَاقِي لَدِيكَ أَذْأَنْتَ نَظَامَ الدِّينِ وَيَعْسُوبُ الْمُتَقِينَ وَ
عَزَّ الْمُوْحَدِينَ وَبِذَلِكَ اْمْرِنِي رَبُّ الْعَالَمِينَ.

گواه می گیرم خدار او گواه می گیرم فرشتگانش را و گواه
می گیرم تو را ای مولایم! به این اعتقاد قلبی که نسبت
به تو دارم. عقیده‌ای که ظاهرش مانند باطن و سرش
همانند آشکار آن است و تو خود بر آن شاهدی و آن عهد
من است باتو و پیمان من است در پیشگاه تو؛ چون تو
خود نظام دین هستی و پیشوای متقیان و عزت
یکتاپرستان، و پروردگار جهان مرابر آن امر فرموده است.

بر ادعای اعتقاد خویش گواه می گیرم خداوند و فرشتگان را و امام زمان(ع) را به عنوان شاهد
و گواه خود یاد می کنم.

و اعلام می کنم که در ظاهر و باطن و پنهان و آشکار بر همین مرام هستم (و در همینجا
دوباره خود حضرت را شاهد و گواه می اورم) «وَأَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكَ» و این به نمایش
گذاشتن اوج انس و قرب است. در ادامه سخن از عهد و میثاق با حضرتش می رود.

جريان معرفتی و اعتقادی خود را نشان دادم و گواهی دادم که پنهان و آشکارش یکی است؛
زیرا از نگاه آسیب‌شناسی اعتقادی چه بسا انسان دچار آسیب‌های «شك»، «شبھه»، «ریا» و
«سمعه» شود؛ یعنی یا در ساحت نظری (شك و شبھه) و یا در ساحت عملی (ریا و سمعه)
ممکن است انسان دچار آسیب بشود.

این گونه است که در دعای دوران غیبت امام زمان(ع) آمده است:

وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍ وَشُبُهَةٍ وَرِياءٍ وَسُمْعَةٍ حَتَّى لا تُرِيدَ بِهِ
غَيْرَكَ وَلَا تَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ.^۱

خداؤند! این عقیده ما را از هر گونه آسیب‌های شک، شبھه، خودنمایی و شهرت خالص
گردان؛ تا این که به وسیله آن عقیده فقط تورابخواهیم و تورا طلب کنیم.

دوباره دلبر خود و امام عصر خویش را شاهد و گواه می گیرم، «وَأَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكَ»
که تو بر این اظهار ارادت و جريان معرفتی و اعتقادی من آگاه هستی. چه خوش است این اوج

در ادامه عهد و ميثاق خود را با تو ياد و بازخوانی می کنم؛ چون که تو نظام دین هستی. قواعد علم و اساس آن و قوام و چهار چوب علم و دین بر قامت بلند تو استوار است. تو و اجداد معصومت اركان توحید هستید. آنان که عهد و ميثاق خود را از شما بگسلند و قطع نمایند، از مدار حق بیرون شده‌اند و در مدار باطل دچارتیه و سرگردانی گشته‌اند.

فَلَوْ تَطَاوِلَتِ الدُّهُورُ وَنَمَادَتِ الْأَعْمَارُ لَمْ أَزْدَدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا وَلَكَ إِلَّا حُبًّا وَعَلَيْكَ إِلَّا مُتَكَلَّا وَمُعْتَمِدًا وَلَظَّهُورُكَ إِلَّا مُتَوْقَعًا وَمُنْتَظَرًا وَلَجَهَادِيَ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا فَابْذُلْ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلْدِي وَاهْلِي وَجَمِيعِ مَا خَوْلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَالْتَّصْرِيفِ بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ.

پس اگر روزگاران طولانی و عمرها بلند شود جز این نیست که یقینم درباره تو افزون می شود و عشق و دوستی ام برای تو زیاد می شود، و توکل و اعتمادم به تو، افزایش می یابد. و برای ظهور تو متوقع و آماده و پیوسته مسئولیت پذیر خواهم بود و در این آماده بودنم از انتظار و آمادگی و توانمندی های لازم برخوردارم، و برای جهاد در رکاب و پیشگاه تو چشم به راهم و دیدبانی و رصد های به هنگام و مناسب انجام می دهم (ثانیه شماری می کنم). تا این که بخشش کنم جان و مال و فرزند و اهل و عیالم را و همه دارایی ام را که پروردگار به من عطا کرده در پیشگاه تو و همه رادر راه امر و نهی تو صرف می کنم.

اگر چه دوران غیبت طولانی شد و عمرهای بسیاری سپری، ولی تاکنون جمال دل آرای تو را ندیده‌ام و هر چه که بیشتر می گذرد، پوچی ادعاهای دیگران را بهتر و بیشتر در می‌یابم و مشاهده می کنم که

◆ ◆ ◆ ◆ ◆

● تو نظام دین هستی. قواعد علم و رنگ‌ها، رخسار زشت خویش را می‌نمایند.

پس ما به باوری عمیق و گستردگی درباره تو دست می‌یابیم که واقعاً «تنها راه» تو را می‌زیند؛ «لم ازدد فيك إلا يقيناً». و آستانه بلند یقین و معلم و دین بر قامت بلند تو استوار است. تو و اجداد باورم تنها جایگاه قدم‌های توست. دیوانه‌وار و معلم‌نویم از کان توحید هستید. مستانه سرگردان کوی عشق توام و شکوفه‌های آنان که عهد و ميثاق خود را از محبت و دوستی تو را به نظاره می‌نشینم؛ حق بیرون شده‌اند و در مدار «ولک إلا حبّاً».

با يقين و حبي كه نسبت به تو يافته‌ام
نمی‌توانم به غير تو دل بیندم و اعتماد کنم.

فقط راهبرد انتظار راه به جایی می‌برد؛ «وَعَلَيْكَ الْأَمْتَكَلَا وَمُعْتَمِدًا».

با بینش مهدوی و گرایش به آن و تکیه بر راهبرد انتظار برای ظهور خورشید باید گام برداشت. برای آن که خورشید را از پس ابرها بیرون آوریم و در آغوش نگاه خود برکشیم، باید به مقام توقع و پیوسته آماده باش بودن راه یابیم و همیشه مسئولیت‌پذیر باشیم؛ «متوقعاً».

و به انتظار و آمادگی و توانمندی‌های لازم بار یابیم و در عرصه‌ها و ساحت‌های گوناگون فردی و اجتماعی از صلاحیت‌ها و آمادگی لازم برخوردار باشیم؛ ساحت‌های، عاطفی و رفتاری؛ «منتظرًا».

ابو بصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند:

مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلَيَتَظَرْ وَلِيَعْمَلْ بِالْوَرْعِ وَمَحَاسِنِ الْإِلَاقِ
وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَانْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ ادرَكَهُ
فَجَدُّوا وَانتَظَرُوا هَنِئًا لَكُمْ أَيْتَهَا الْعَصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.

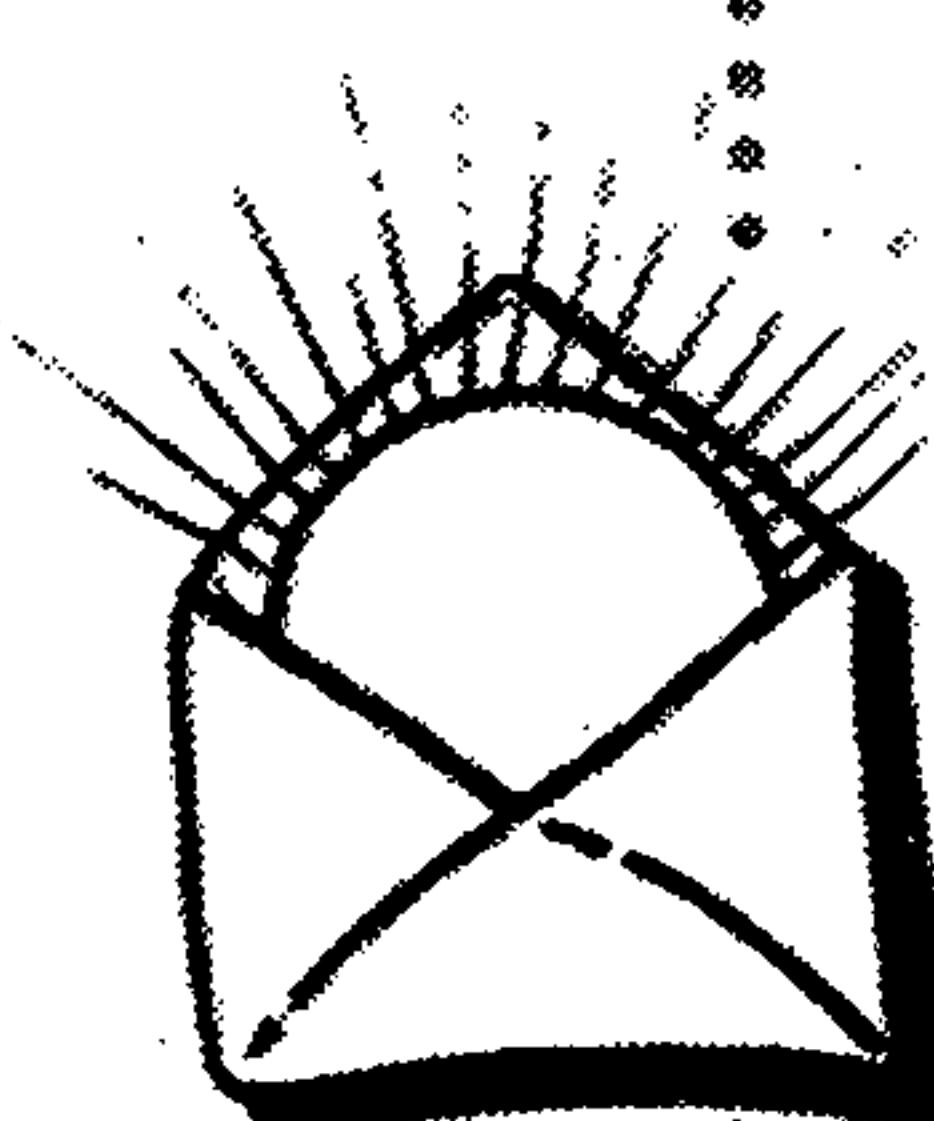
کسی که می‌خواهد از یاران و اصحاب امام مهدی (ع) باشد، باید انتظار برآورده و پاک دامنی پیشه سازد و اخلاق خویش را نیکو کند. در این حالت اگر بمیرد و حضرت حجت پس از مرگ او ظهور کند، پاداش کسی را دارد که آن حضرت را درک می‌کند. پس تلاش کنید و در انتظار باشید؛ گوارا بادر شمای گروهی که مورد رحمت حق قرار گرفته‌اید.

مهدی یاوران وقتی پس از مقام‌های «متوقع» و «منتظر» در مقام «متربقب» جای می‌گیرند، با «آماده باشی مستمر» و «توانمندی لازم» اقدام به «دیدبانی و رصد های» به‌هنگام می‌کنند تا بتوانند جایگاه خود را تبیین کنند. هم هدف را رصد می‌کنند و شرایط و نشانه‌های ظهور را زیر نظر می‌گیرند و هم در نسبت‌سنگی میان وضعیت خود و شرایط موجود بهترین موضع گیری را اتخاذ می‌نمایند؛ «وَلِجَهَادِي بَيْنَ يَدِيْكَ مَتَرَقْبَاً».

مهدی یاوران پس از توجه به این مقام و محورها، با بذل جان، مال، فرزندان و اهل و عیال و تمامی امکانات در پیشگاه امام زمان خود و صرف آن‌ها برای امر و نهی او، از هیچ چیزی دریغ نخواهند کرد. فرهنگ انتظار همه این پیام‌های هماهنگ و همگرا را با هم و به گونه نظام‌مند دارد. با چنین بلوغ و بالندگی می‌توان همه هستی خود را در طبق اخلاص نهاد و تقدیم راهش کرد.

مَوْلَايَ فَانْ أَدْرَكَتُ أَيَامَكَ الزَّاهِرَةَ وَأَعْلَامَكَ الْبَاهِرَةَ، فَهَا أَنَا ذَا عَبْدِكَ الْمُتَصَرِّفِ
بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ، أَرْجُو بِ الشَّهَادَةِ بَيْنَ يَدِيْكَ وَالْفُوزَ لَدِيْكَ.

مولای من! اگر ایام دولت در خشان و شکوفای تو و پرچم‌های نمایان و نورانی تو را درک کردم، پس من آن بندۀ‌ای خواهم بود که امر و نهی تو را گرد نهاده و به جای آورده‌ام، که به وسیله آن، آرزوی شهادت در پیشگاه تو و کامیابی در حضور تو را دارم.



● مهدی یاوران وقتی پس از مقام‌های «متوقع» و «منتظر» در مقام «مترقب» جای می‌گیرند، با افق نگاه خود در پهنانی باور خویش تنها امر و نهی تو را جای می‌دهم، و آرزوی سبز من با لازم اقدام به «دیدبانی و رصد های» شهادت سرخ شکل می‌گیرد و برآورده می‌شود. بله هنگام می‌گذرد تا بتوانند این سان است که در باغ دستان تو شکوفه می‌گرد و سرو آساقد می‌کشد و سرافراز می‌گردد هدف را رکنده می‌گزند و شرایط و و رستگاری برای من به ثمر می‌نشانند. نشانه‌های ظهور را زیر نظر انبیا و اوصیا نیز با فریاد «آه آه شوقاً الی رؤیتہم»^۳ شعله‌های شور خویش را و طوفان میان وضعیت خود و شرایط موجود بهترین موضع گیری را اتخاذ می‌نمایند؛ «و لجه‌داری بین یدیک مترقباً».

اگر در آن روزهای سبز و شکوفا که پرچم‌های تو برافراشته می‌شوند، تو را در آغوش دیدگانم دریابم، من آن بنده‌ای هستم که در افق نگاه خود در پهنانی باور خویش تنها امر و نهی تو را جای می‌دهم، و آرزوی سبز من با لازم اقدام به «دیدبانی و رصد های» شهادت سرخ شکل می‌گیرد و برآورده می‌شود. بله هنگام می‌گذرد تا بتوانند این سان است که در باغ دستان تو شکوفه می‌گرد و سرو آساقد می‌کشد و سرافراز می‌گردد هدف را رکنده می‌گزند و شرایط و و رستگاری برای من به ثمر می‌نشانند. نشانه‌های ظهور را زیر نظر انبیا و اوصیا نیز با فریاد «آه آه شوقاً الی رؤیتہم»^۳ شعله‌های شور خویش را و طوفان میان وضعیت خود و شرایط عشق و بی تابی را به امواج واژگان می‌سپارند و رغبت و اشتیاقشان را در پیشگاه امام زمان (ع) و اصحاب او به نمایش می‌گذارند. امام صادق (ع) می‌فرماید:

لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدْمَتُهُ أَيَّامَ حِيَاةِي^۴

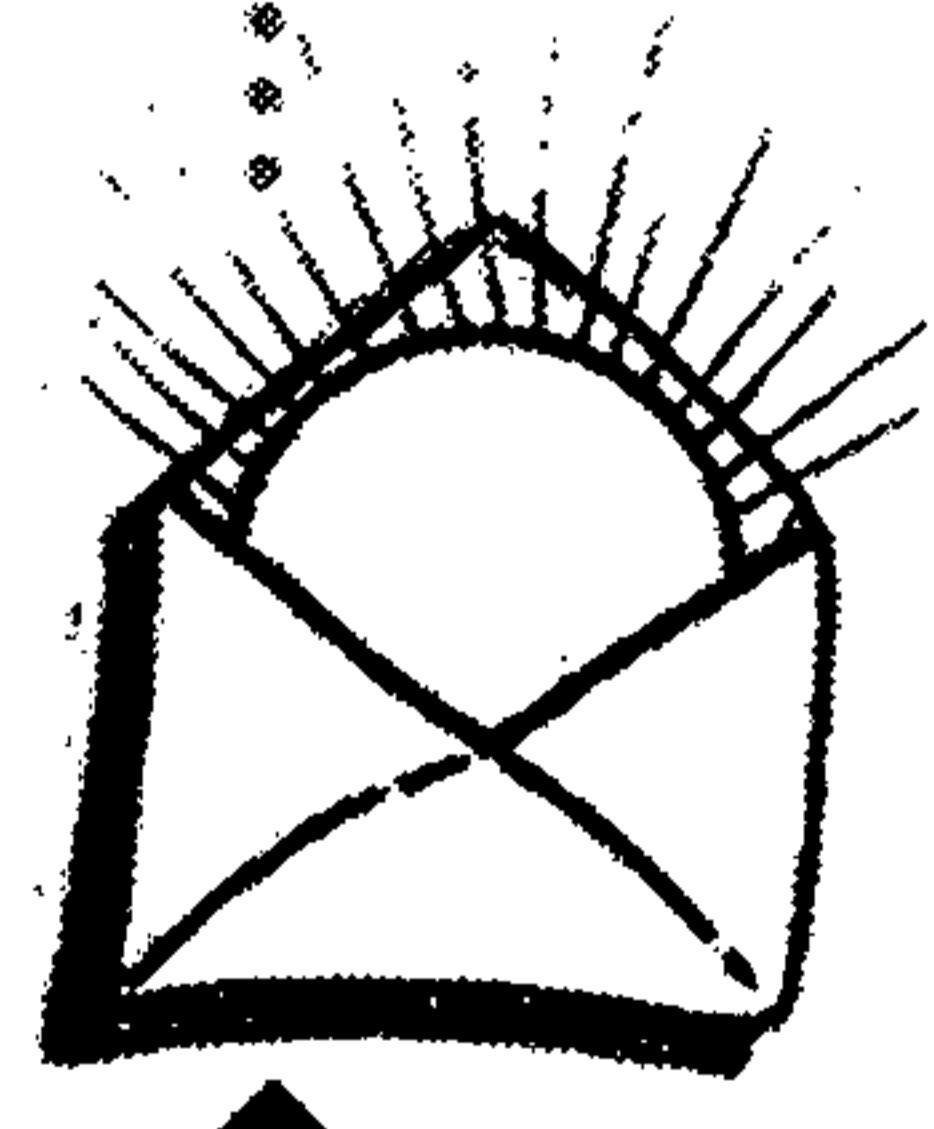
اگر دوران ظهورش و حضورش را درک کنم، همانا تمام عمرم، در خدمتش خواهم بود.

ببینید امام صادق چگونه در آرزوی درک حضورش داد سخن می‌دهد و آرزوی درک دوران او را در دل دارد، چرا چنین نباشد؟ همگان در صف خریداران یوسف زهراء سهم می‌ستانند و خریدار اویند.

«آمادگی» و «مسئولیت پذیری»، «دیدبانی و رصد کردن» را از همین دوران غیبت باید تمرین کرد و پیوسته در آرزوی اطاعت محض و تقدیم جان و توفیق شهادت در راهش بود.

مَوْلَايَ فَانِ اَدْرَكَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ فَانِي اَتَوَسَّلُ بِكَ وَبِالْأَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ الِى اللَّهِ تَعَالَى وَآسِئَلُهُ اَنْ يُصْلِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآنْ يَجْعَلَ لَى كَرَةَ فِي ظُهُورِكَ وَرَجْعَةَ فِي اِيَّامِكَ لَا يَلْعَنَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي وَآشْفِي مِنْ اَعْدَائِكَ فُؤَادِي

مولای من اگر پیش از ظهورت مرگ من فرادست، در این صورت من توسل می‌جویم به تو و پدران پاک تو به درگاه خدای تعالی، و از او درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستد و این که در هنگام ظهور تو بازگشت و رجعتی را برای من قرار دهد، تادر ایام



دولت تو با اطاعت و پیروی از تو به مقصودم برسم، و از شماتت دشمنانت قلبم را شفادهم.

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

مُؤْمِنُ بِاِيَابِكُمْ مُصَدَّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ.

باور دارم که شما پاکان هستی و خاندان نور بار دیگر پیش از قیامت به دنیا بازمی گردید.

علمای بر جسته شیعه فرموده‌اند؛ در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) امامان (ع) رجعت خواهند کرد. گروهی از مؤمنان خالص نیز به این جهان رجعت می‌کنند تا دین خدا را و امام زمان را یاری نمایند. هم چنین بعضی از سر کرده‌های ظلم و کفر نیز به دنیا باز می‌گردند تا بازخواست شوند و تازیانه‌های عدالت را مشاهده نمایند.

البته مخالفان ما مسئله رجعت را برنمی‌تابند و آن را انکار می‌کنند و به ما دشنام می‌دهند. با اندکی دقیق در بسیاری از آیات، غفلت یا تغافل آن دسته از بی‌خبران زدوه می‌شود. خداوند در قرآن، داستان رجعت عزیر و اصحاب کهف و قومی از بنی اسرائیل را متذکر شده است^۵ نیز در شرح حال بعضی از نمایندگان قوم موسی (ع) چنین می‌فرماید:

ثُمَّ بَعْثَانَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^۶

سپس شماراً پس از مرگتگان برانگیختیم شاید شکر نعمت او را به جا آورید.

وقتی که نمایندگان بنی اسرائیل سخن گفتن خداوند با حضرت موسی را دریافتند، گفتند:

حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذْتُكُمُ الصَّاعِقَه...^۷

ای موسی! ما به خداوند ایمان نمی‌آوریم مگر این که خدارا آشکارا مشاهده نماییم....

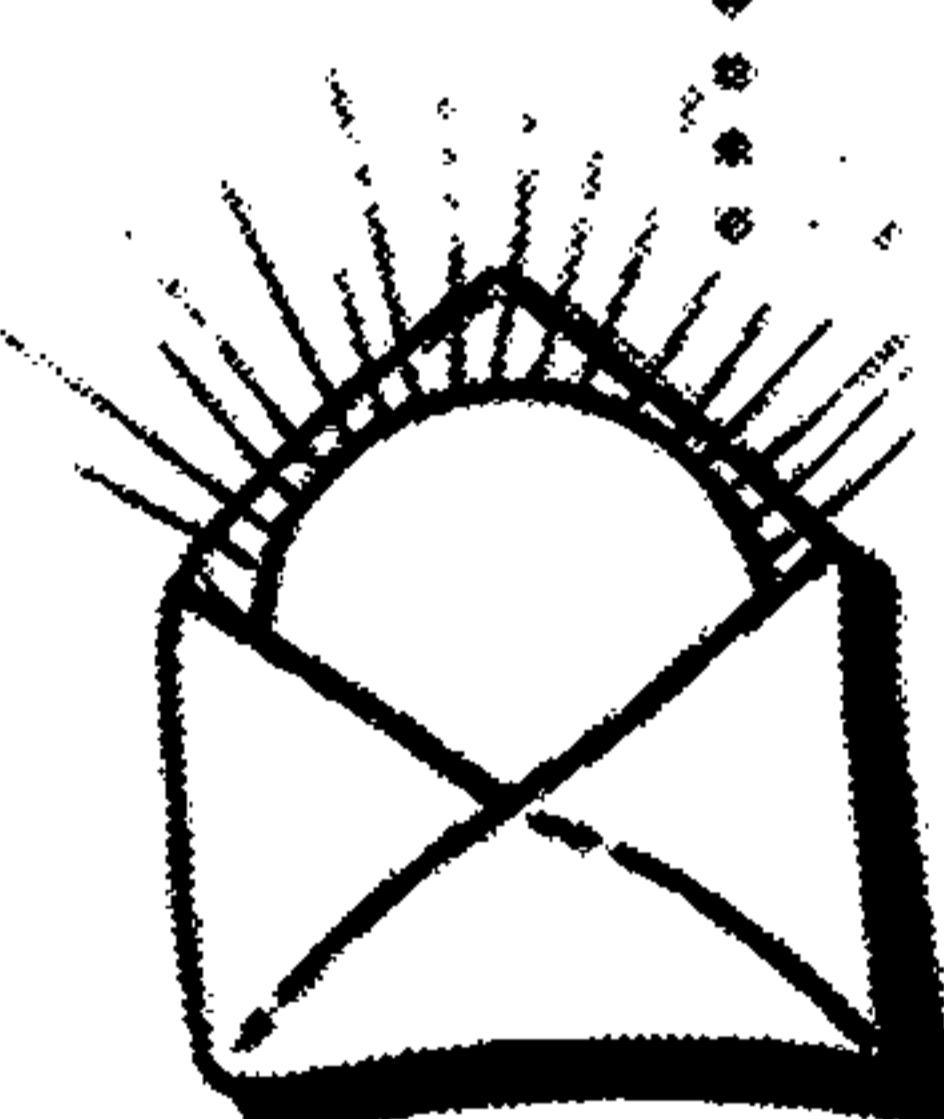
در همین حال صاعقه‌ای فرود آمد و آن‌ها را هلاک کرد. حضرت موسی (ع) به خداوند عرض کرد: «پروردگارا من به بنی اسرائیل چه پاسخ بدhem و چگونه بدون این‌ها به سوی آنان برگردم؟» از این رو خداوند به خاطر حضرت موسی ایشان را زنده کرد و بار دیگر به دنیا بازگشت و رجعت نمودند.

امام صادق (ع) فرمود:

آن گاه که زمین دهان باز کند، نخستین کسی که به دنیا باز می‌گردد امام حسین (ع) است. البته رجعت برای همه مردم نمی‌باشد، بلکه برای افراد مخصوص است؛ زیرا فقط اشخاصی که مؤمن خالص یا مشرک کامل باشند بار دیگر به دنیا باز می‌گردند.^۸

امام باقر (ع) فرمود: همانا حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع) به دنیا باز خواهند گشت.^۹

از امام صادق (ع) نقل شده است:



هر کس چهل صبح دعای عهد را بخواند، از یاوران حضرت قائم(ع) می شود و اگر پیش از ظهور آن حضرت عمر خویش را سپری کند، خداوند او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالیٰ به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه او را بپوشاند.^{۱۱}

مَوْلَاي وَقَفْتُ فِي زِيَارتِكَ مَوْقِفَ الْخَاطِئِينَ النَّادِمِينَ، الْخَائِفِينَ مِنْ عَقَابِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَقَدْ اتَّكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ وَرَجُوتُ بِمَوْالِاتِكَ وَشَفَاعَتِكَ مَحْوِ
ذُنُوبِي وَسْتَرَ عَيْوبِي وَمَغْفِرَةَ زَلَلِي فَكَنْ لَوْلَيْكَ يَا مَوْلَايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِهِ
وَاسْأَلِ اللَّهِ غَفْرَانَ زَلَلِهِ فَقَدْ تَعْلَقَ بِحَبْلِكَ وَتَمْسَكَ بِولَائِتكَ وَتَبَرَّءَ مِنْ
أَعْدَائِكَ.

مولای من، ایستاده ام برای زیارت تو؛ همانند ایستادن خطاکاران پشیمان و ترسان از کیفر پروردگار جهانیان، من تکیه زده ام بر شفاعت تو و امید بسته ام به دوستی و اطاعت تو و این که شفاعت تو گناهاتم را نایود کند و عیب ها و زشتی هایم را پوشاند و لغوش هایم را بیامرد. پس توای مولای من، دوستت را به آرزویش برسان و از خدا آمرزش خطاهایش را بخواه که او به رشته ولایت و محبت تو چنگ زده و از دشمنانت بیزاری جسته است.

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

يَا وَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْيَنِي وَبَيْنَ اللَّهِ دُنْوِيَاً لَا يَأْتِي عَلَيْهَا رِضَاكُمْ فِيْ حَقِّ مَنْ اتَّسْمَنَّكُمْ
عَلَى سَرَّهِ وَأَسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتُكُمْ بِطَاعَتِهِ لِمَا اسْتَوْهَبْتُمْ دُنْوِيَاً وَ
كُنْتُمْ شَفَعَائِي.^{۱۲}

ای ولی خدا: من مراتک گناهانی شده ام که این گناهان میان من و خداوند فاصله انداخته و رابطه بندگی من با او را قطع کرده است و جز خشنودی و شفاعت شما از ما شیعیان، چیز دیگری نمی تواند آن گناهان را از بین ببرد. پس شمارا سوگند می دهم به حق کسی که شما را مادردار راز خویش قرار داده بیز سوگند می دهم شمارا به حق کسی که امر مخلوقاتش را به شما واکذار کرد؛ یعنی شمارا امام و راهنمای مردم قرار داده سوگند می دهم شمارا به کسی که اطاعت از شمارا بر مردم واجب کرده و آن را در دلیف اطاعت از خود ذکر کرده است. آن جا که فرمود:

﴿أَطِيعُ اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ.﴾^{۱۳}

اطاعت کنید خدارا و اطاعت کنید بیامبر خدا و صاحبان امر را.

در دعای توسل می خوانیم:

اَنَا تَوَجَّهْنَا وَ اَسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ.

ما با توجهت یابی می کنیم و با همراهی تو به وسیله تو سوی او راهی می شویم و تمامی پستی ها و آودگی هارا به کناره می افکنیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْجِزْ لَوْلَيْكَ مَا وَعَدْتَهُ. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ كَلِمَتَهُ وَأَعْلِدْ دَعْوَتَهُ، وَأَنْصُرْهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَعَدُوكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

پروردگار، دور دفترت بر محمد و آل محمد و فاکن و عملی گردان به آن چه که ولیت را و عده دادی. خدا یا آشکار نما سخن او را. دعوتش را برافراز و بر دشمنش و بر دشمن خودت او را یاری فرمایی پروردگار جهانیان.

در آیات قرآن از وعده های بسیاری نسبت به ظهور حضرت سخن به میان آمده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾^{۱۳}

خداؤند به کسانی از شما که ایمان آور دو نیکو کار گردد، و عده فرموده که با ظهور امام زمان به آن هادر زمین خلافت دهد؛ چنان که امت های صالح پیامبران گذشته، جانشین پیشینیان خود شدند (و علاوه بر خلافت) دین پسندیده آنان را بر همه ادیان چیرگی و بورتی عطا کند و به همه مؤمنان پس از خوف و ترس از دشمنان، ایمنی کامل دهد.

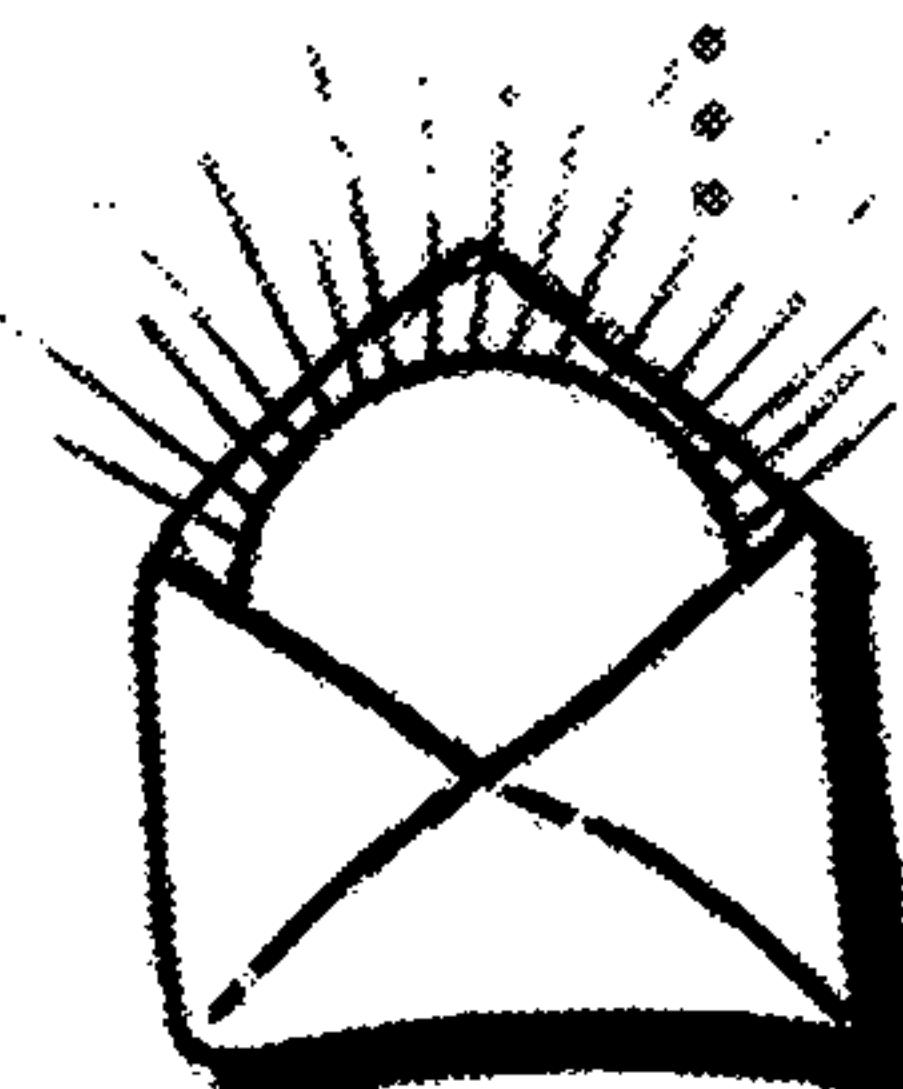
ابو بصیر می گوید: «سأَلَتْ ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ 『هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الَّذِينَ كُلُّهُمْ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ』»^{۱۴}

از امام صادق (ع) درباره این آیه شریفه «و خداوندی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا او را بر تمام ادیان پیروز گرداند؛ اگر چه مشرکان آن را کراحت داشته باشند.» پرسیدم.

امام در جواب فرمود: «به خدا قسم هنوز موقع تأویل این آیه نرسیده است». گفتم: «قربانت گردم! چه وقت موقع آن فرامی رسد؟» حضرت فرمود:

هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند، موقع تأویل این آیه فرامی رسد، و چون حضرت قائم قیام کند هر کافر و مشرکی، ظهور او را ناخوش دارد؛ زیرا اگر کافر یا مشرک در دل سنگی پنهان شود آن سنگ صدامی زندای ای مؤمن! کافر یا مشرکی در دل من پنهان شده است یا او را به قتل برساند! خداوند او را بیرون می آورد و یاران حضرت قائم او را به قتل می رسانند.^{۱۵}

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَظْهِرْ كَلِمَتَكَ التَّامَةَ وَمُغَيْبَكَ فِي أَرْضِكَ



الخائف المترقب.

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست، کلمه تامهات و آن پنهان شده در روی زمینت راو آن ترسان و مراقب را ظاهر و آشکار فرما.

خدایا تو حجت بر حق و امام زمان را جلوه تام توحید و از ارکان توحید، قرار دادی و معرفت خود را در آینه آن امام همام بر همه عالم و آدم به نمایش گذاردی. هم اکنون این خورشید تابنده در فراسوی ابرها پنهان شده و نگران حال مؤمنان است و از ترس نابخردان و ظالمان بداندیش، شرایط و احوال بشر را نظاره می کند و در انتظار اذن ظهور است.
هم چنان که در توقيع شریف می فرماید:

اَنَا غَيْر مُهْمَلِين لِمَرَايَاتِكُمْ وَلَا نَاسِين لِذِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَّلَ بِكُمُ الْلَّوَاءُ
وَأَصْطَلَمْتُكُمُ الْأَعْدَاءَ. ۱۶

ما فارغ از شمانشده ایم و از رعایت و عنایت شما عاقل نگشته ایم و اگر چنین می بود دشمنان تاکنون شمارا نبود و ریشه کن کرده بودند.

حضرت در شرایط موجود، مراقب شیعیان می باشد و مراقب حال آنان است و با ارشاد و عنایت های ویژه هدایت شان می کند و ...

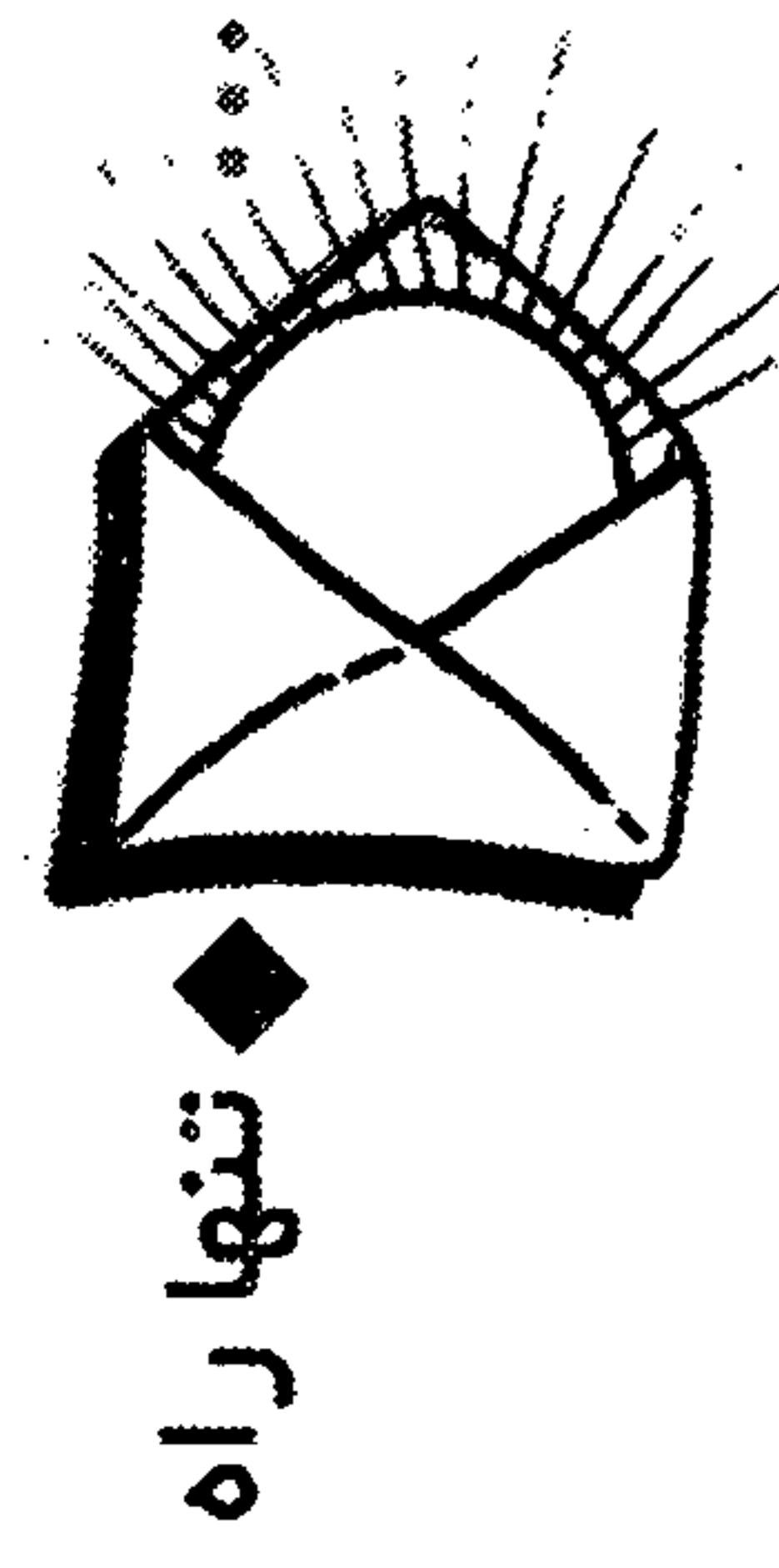
اللَّهُمَّ انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا。 اللَّهُمَّ وَأَعْزِزْ بَهِ الدِّينَ بَعْدَ الْخَمُولِ،
وَأَطْلِعْ بِهِ الْحَقَّ بَعْدَ الْأُفُولِ، وَأَجْلِ بِهِ الظُّلْمَةَ وَأَكْشِفْ بِهِ الْغُمَّةَ。 اللَّهُمَّ وَآمِنْ بَهِ
الْبَلَادَ وَاهْدِ بِهِ الْعِبَادَ。 اللَّهُمَّ امْلأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ
جُورًا، انْكَ سَمِيعٌ مُجِيبٌ.

خدایا او را یاری کن، یاری با عزت، و پیروزی آسان برایش بگشای. خدایا دین را به دست او پس از گم نامی نیرو مند کردن، و حق را به دست او پس از غروب و افول آن پر فروع ساز. به وسیله او ابرهای تیره را زایل کن. و اندوه را به وسیله او بر طرف فرما. شهرهارا به وسیله او امن و امان گردان و بندگان را به وسیله او هدایت فرمادا بار خدایا زمین را به وسیله او پر از عدل و داد گردن؛ هم چنان که از ظلم و بیدادگری بُرگشته است؛ همانا تویی شنو و احابت کننده.

در زیارت حضرت صاحب الامر^{۱۷} می خوانیم: «السلام على ربيع الانام و نصرة الايام؛ سلام

بر بهار مردم و روزهای سبز و خرم.»

همه آسایش و راحتی ها تنها در گرو دولت کریمه آن عزیز سفر کرده شکل خواهد گرفت. از این رو باید با رشد و بلوغ اجتماعی، شناخت و انتظار دولت کریمه به یک جریان فکری - اجتماعی تبدیل شود و فرهنگ مهدویت را با سه شاخصه مورد نظر گسترش داد:



۱. رغبت اجتماعی به دولت کریمه؛
۲. شکایت اجتماعی از وضعیت نبودن نبی و غیبت ولی؛
۳. استعانت اجتماعی.

در توقعی شریفی حضرت به اسحاق بن یعقوب چنین فرمود: «وَاكْثُرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرْجِ فَإِنْ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ»^{۱۸} برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما همان است. امام حسن عسکری (ع) نیز می‌فرماید:

وَاللَّهِ لِيَغِيبَنِّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلْكَةِ إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ
بِأَمْامَتِهِ وَوَقْفَهِ فِيهَا لِلْدُعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرْجِهِ.^{۱۹}

به خدا سوگند [او] غیبی خواهد داشت که در آن تهاکسانی از هلاکت نجات می‌یابند که خداوند آن‌ها را بر قول به امامتش ثابت قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرجش موفق کرده است.

اگر جامعه بشری با رشد و بلوغ خود گام‌های رغبت، شکایت اجتماعی، و استعانت اجتماعی را در نورده، دست به دعا بردارد و از خالق هستی

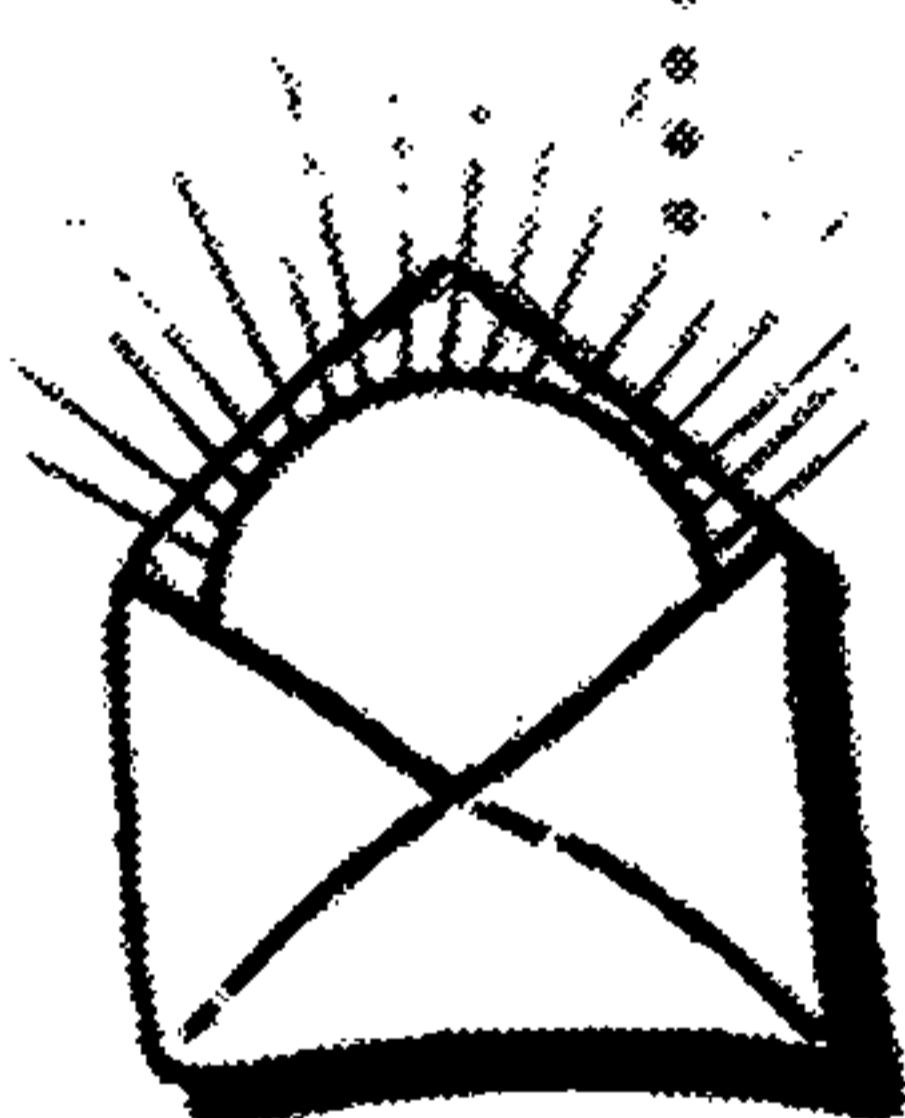
درخواست کند که آن خورشید از پس ابرها بیرون آید. با آمادگی و آماده باش بودن و مسؤولیت‌پذیری خود و دیدبانی و رصد وضعیت و آماده کردن شرایط ظهور؛ عطش و رغبت خود را نسبت به امام زمان نشان دهد و همیشه دغدغه فرهنگ مهدویت را مطلع و مطمحل نظر خود بداند، با دعای پیوسته خود به بلوغ بارع و بالنده مهدوی دست می‌یابد. چنین انسانی زمینه‌های ظهور را فراهم می‌سازد و هدیه فرج را در دوران «غیبت» و «ظهور» درک و دریافت می‌نماید؛ زیرا درک و دریافت فرهنگ مهدویت و امامت آن عزیز سفر کرده و دعا برای فرجش، هم نعمت و گشایش دوران «غیبت» است و هم فرج و گشایش برای دوران «ظهور» و حضورش.

◆ ◆ ◆

اگر جامعه بشری با رشد و بلوغ خود گام‌های رغبت، شکایت اجتماعی، و استعانت اجتماعی را در نورده، دست به دعا بردارد و از خالق هستی درخواست کند که آن خورشید از پس ابرها بیرون آید. با آمادگی و آماده باش بودن و مسؤولیت‌پذیری خود و دیدبانی و رصد وضعیت و آماده کردن شرایط ظهور؛ عطش و رغبت خود را نسبت به امام زمان نشان دهد و همیشه دغدغه فرهنگ مهدویت را مطلع و مطمحل نظر خود بداند، با دعای پیوسته خود به بلوغ بارع و بالنده مهدوی دست می‌یابد. چنین انسانی زمینه‌های ظهور را فراهم می‌سازد و هدیه فرج را در دوران «غیبت» و «ظهور» درک و دریافت می‌نماید؛ زیرا درک و دریافت فرهنگ مهدویت و امامت آن عزیز سفر کرده و دعا برای فرجش، هم نعمت و گشایش دوران «غیبت» است و هم فرج و گشایش برای دوران «ظهور» و حضورش.

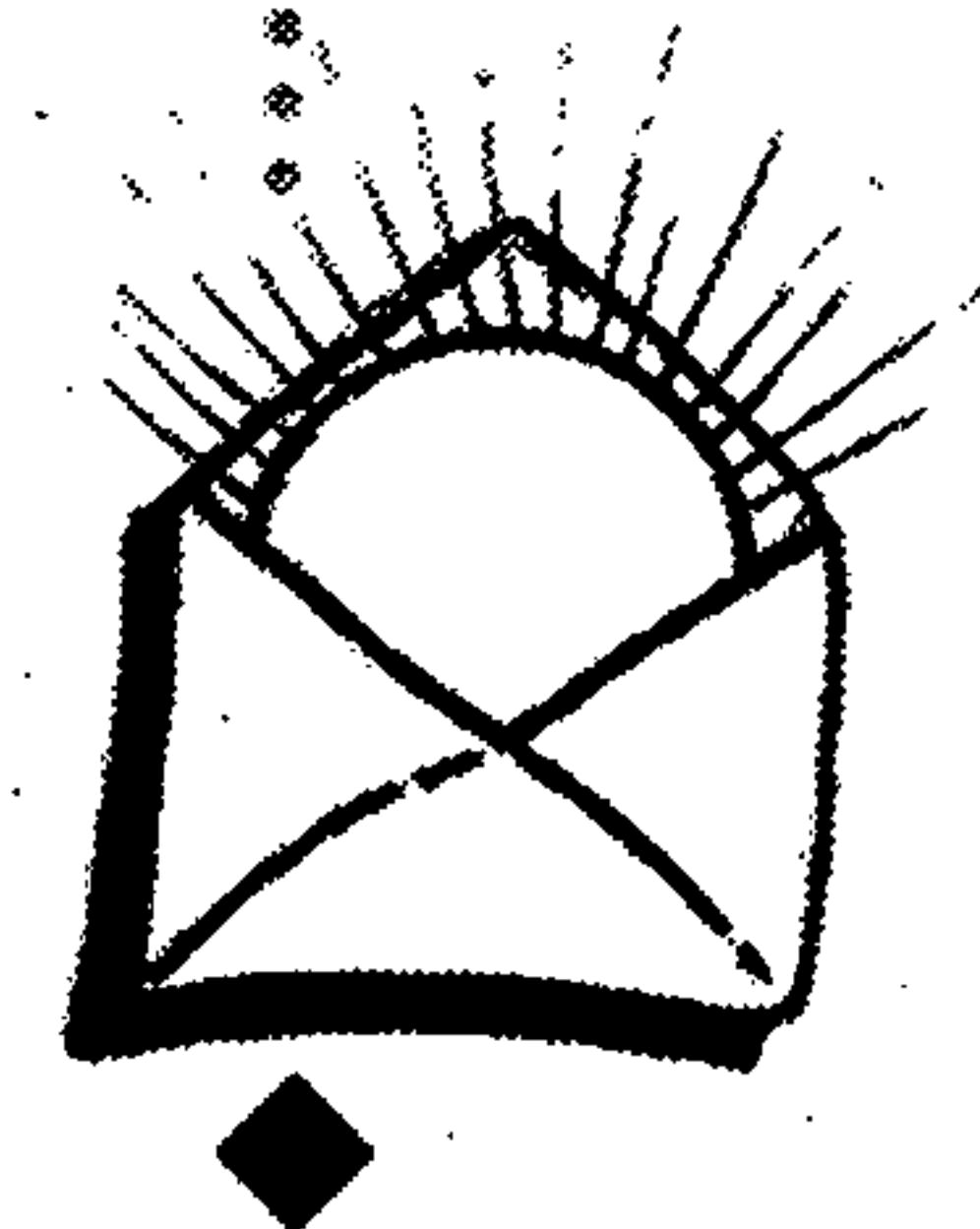
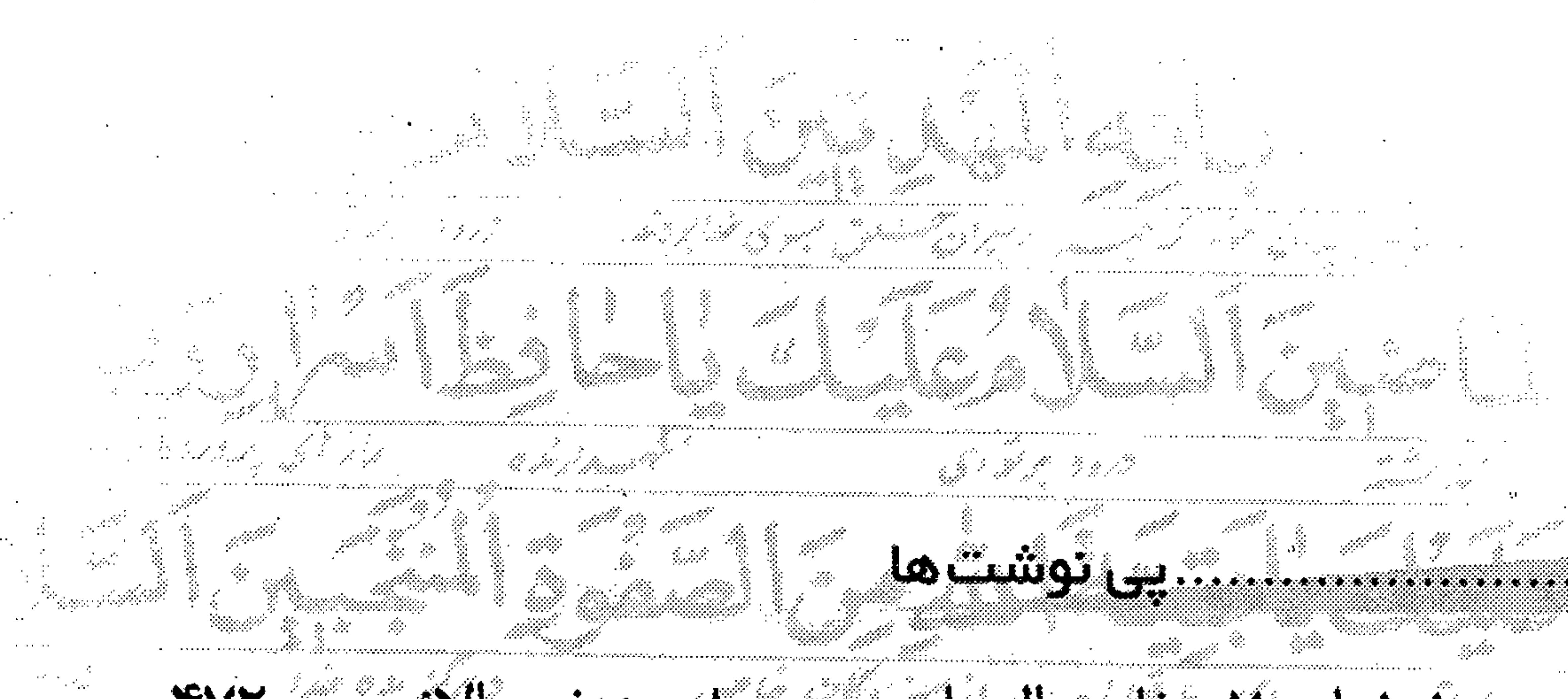
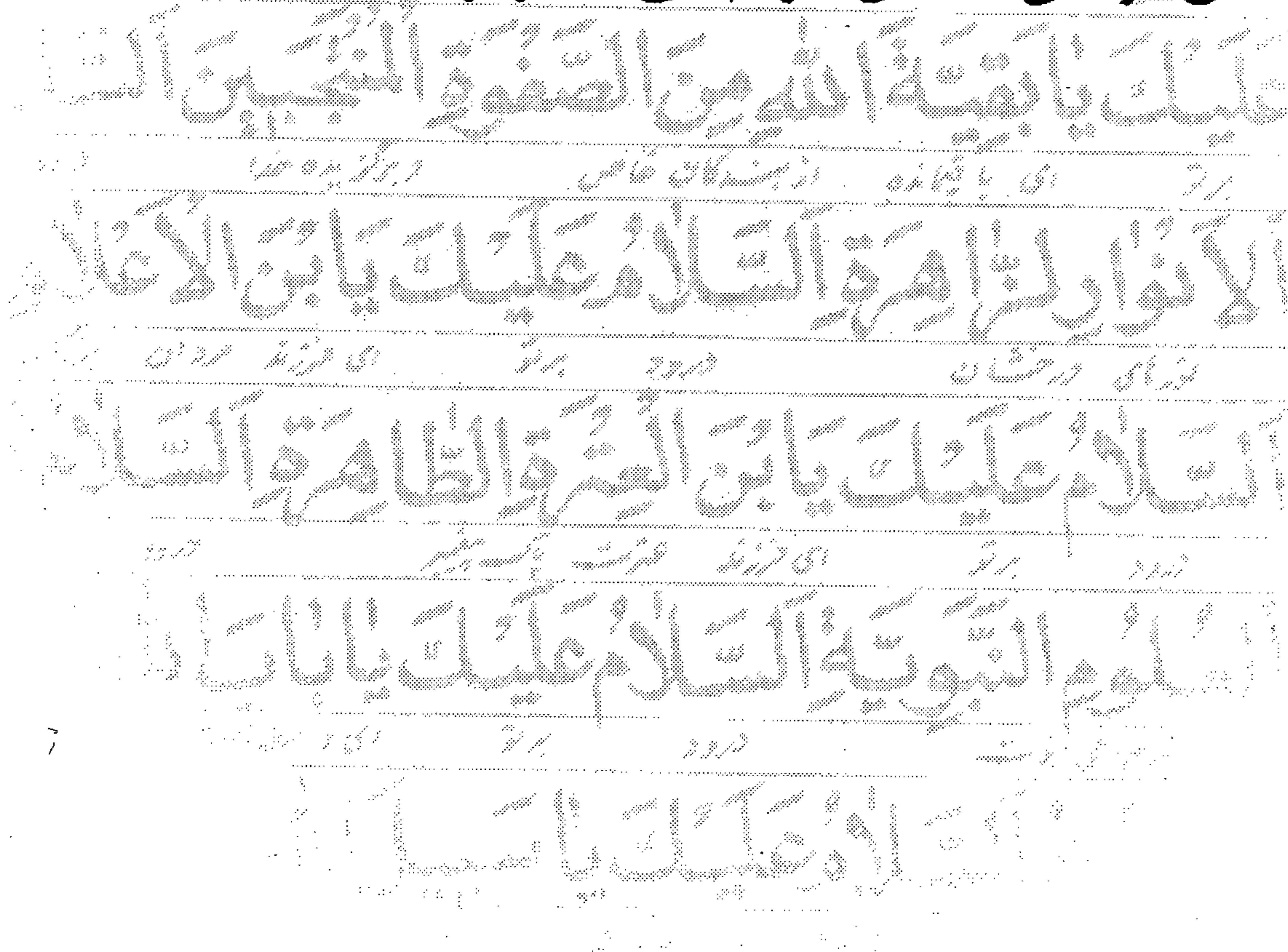
السلام عليك يا ولی الله، أئذن لوليک فی الدخول الى حرمک، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سلام درود بر تو ای ولی خدا، اجازه فرمابه دوستدارت تابه آستانه حرمت وارد شود، (و در



پایان) درود و سلام خداوند بر تو و بر پدران پاکیزه‌ات و بخشش و رحمت خدا بر کاشش
بر شماباد.

سلام و درود خدا بر تنها راه و بر گل نرگس، امید آن داریم که ما را به آستانه لطف و عنایت
خود راه دهد و از تمامی فتنه‌های آخر زمان رهایی مان بخشد.
او می‌آید، آری، گل نرگس، با گل مریم می‌آید، و او «(تنها راه)» است.



۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱ باب ۷: مفاتیح الجنان
به نقل از سید بن طاووس، بلد الامین، ص ۳۸۶.
۲. مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۱۳۱.
۳. کافی، ج ۱، ص ۱۹۸، تحف العقول؛ ص ۴۳۹.
۴. مثنوی معنوی، دفتر دوم، ص ۲۴۶.
۵. کمال الدین، ۲، ۷۶، باب ۵۸؛ غیبت نعمانی، باب ۱۲، ۱۴.
۶. ینایع الموده، ج ۳، ص ۱۳۶؛ روزگار رهایی، ص ۱۰۱.
۷. بحار الانوار، ج ۵۳، باب ۲۹، ص ۸۵.
۸. منتخب الاتر، ص ۴۷۲.
۹. ینایع الموده، ج ۳، ص ۷۸ و ۱۳۲.
۱۰. خصال، ج ۲، ص ۶۲۶.
۱۱. مستدرک علی الصحیحین؛ ج ۴، ص ۵۵۷، الفتن و
الایتام؛ ص ۴۹۷ با تغییر.
۱۲. احتجاج، ۲، ص ۲۹۰.
۱۳. غیبت طوسي، ص ۱۸۱.
۱۴. بشارة الاسلام، ص ۷۱؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۹.
۱۵. غیبت نعمانی، باب ۱۲، ص ۲۲۰.
۱۶. غیبت نعمانی، باب ۱۲، ص ۲۳۴.
۱۷. روم ۴۱.

۱۸. دیوان امام خمینی (ره)، ص ۱۰۳.
۱۹. دعای ندب، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه‌ای.
۲۰. همان.
۲۱. اعلام الوری، فصل ثانی، ۴۳۴؛ کمال الدین ج ۲، باب ۳۵، ص ۳۷۲.
۲۲. بشارة الاسلام، ۲۹۷؛ روزگار رهایی، ص ۵۲۴.
۲۳. بشارة الاسلام، ص ۷۱؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۹.
۲۴. الملاحم و الفتنه، ص ۶۶؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۳.
۲۵. ينبغي المودة، ص ۹۲؛ روزگار رهایی، ص ۵۰۰.
۲۶. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷، الزام الناصب، ص ۲۵ و ۲۳۷.
۲۷. حج / ۴۱.
۲۸. غیبت طوسی، ص ۱۸۷.
۲۹. همان.
۳۰. ينبغي المودة، ج ۳، ص ۷۸.
۳۱. الملاحم و الفتنه، ص ۶۶؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۳.
۳۲. ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.
۳۳. ينبغي المودة، ج ۳، ص ۷۸؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۲.
۳۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱ باب ۱۲۹.
۳۵. خرائج، ج ۳، ص ۱۱۶۵.
۳۶. کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۰.
۳۷. الزام الناصب، ص ۱۱.
۳۸. اختصاص مفید، ص ۲۱۷.
۳۹. غیبت طوسی، ص ۱۸۰.
۴۰. ينبغي المودة، ج ۳، ص ۶۸، روزگار رهایی، ص ۶۰۱.
۴۱. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ص ۳۳۸.
۴۲. امالي طوسی، باب ۱۸، ص ۵۱۲.
۴۳. روضة الوعظین، ج ۲، ص ۴۸۵.
۴۴. کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۰.
۴۵. الملاحم و الفتنه، ص ۱۳۷؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۸.
۴۶. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ص ۲۳۷.
۴۷. کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۶۲؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۶.
۴۸. ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.
۴۹. مسند احمد، ج ۲، ص ۵۳۰؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۷.
۵۰. کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۶۱؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۷.
۵۱. الصواعق المحرقة، ص ۱۶۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۴۲.
۵۲. حديث: ۱۷.
۵۳. الزام الناصب، ص ۲۴۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۶.
۵۴. الامام المهدي ص ۵۷، روزگار رهایی، ص ۶۳۶.
۵۵. غیبت نعمانی، ص ۲۳۲.
۵۶. مثنوي مولوي، دفتر اول، ص ۹۲.
۵۷. غیبت نعمانی، ص ۲۳۳.
۵۸. الزام الناصب، ص ۱۲۸؛ روزگار رهایی، ص ۱۰۶.
۵۹. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۲؛ روزگار رهایی، ص ۱۰۹.
۶۰. بشارة الاسلام، ص ۲۹۷؛ روزگار رهایی، ص ۵۱۴.
۶۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۱۳.
۶۲. مثنوي، دفتر اول، ص ۹۳.
۶۳. بشارة الاسلام، ص ۲۵۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۲۲.
۶۴. اعلام الوری، ص ۴۳۵؛ روزگار رهایی، ص ۴۶۲.
۶۵. دیوان امام، ۱۲۵.
۶۶. بشارة الاسلام، ص ۲۴۳؛ روزگار رهایی، ص ۴۲۱.
۶۷. الزام الناصب، ص ۱۸۵؛ روزگار رهایی، ص ۴۲۱.
۶۸. الزام الناصب، ص ۲۲۸؛ روزگار رهایی، ص ۴۷۵.
۶۹. ينبغي المودة، ج ۳، ص ۱۶۰، روزگار رهایی، ص ۷۸.
۷۰. بشارة الاسلام، ص ۲۵۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۲۲.
۷۱. نعمانی، ص ۱۵۲.
۷۲. المهدی، ص ۲۲۱؛ روزگار رهایی، ص ۵۲۶.
۷۳. روزگار رهایی، ص ۵۲۶ نقل از منتخب الاثر، ص ۴۳۹.
۷۴. غیبت نعمانی، ص ۳۲۳.
۷۵. نعمانی، ص ۲۲۳.
۷۶. المهدی، ص ۲۲۱؛ روزگار رهایی، ص ۵۲۶.
۷۷. ينبغي المودة، ج ۳، ص ۱۳۶؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۱.
۷۸. وفات العسكري، ۴۹؛ روزگار رهایی، ص ۵۳۱.
۷۹. بشارة الاسلام، ص ۲۴۹، روزگار رهایی، ص ۶۴۰.
۸۰. آل عمران، ۱۰۳.
۸۱. بحار الانوار، ۹۸، ۳۲۰.
۸۲. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۳۹۲.
۸۳. زیارت آل یس (رحمه الواسعه)
۸۴. البيان، ۸۶؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۴.
۸۵. اختصاص مفید، ۳۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۱.
۸۶. مثنوي معنوی، دفتر سوم، ص ۳۶۵.
۸۷. الملاحم و الفتنه، ۱۳۷، روزگار رهایی، ص ۵۹۸.
۸۸. غیبت، نعمانی، ۲۱۲.
۸۹. تحف العقول، ۵۱۶؛ کافی ج ۱، ۱۹۸.
۹۰. تحف العقول، ۵۱۶؛ کافی ج ۱، ۱۹۸.
۹۱. بشارة الاسلام، ۱۸۵، روزگار رهایی، ۶۴۰.
۹۲. بشارة الاسلام، ۲۸ و ۲۸۰؛ روزگار رهایی، ۶۰۱.
۹۳. مثنوي، مولوي، دفتر ششم، ۱۱۲۳.
۹۴. الحاوی للفتاوى، ج ۲، ۱۵۳؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۹.
۹۵. کشف الغمة، ج ۳/۳۲۴؛ روزگار رهایی، ص ۴۹۹.
۹۶. بقره / ۱۹۶.
۹۷. حافظ.

